

گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است. انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

## تحلیل

علی تقی‌نژاد\*

### مفهوم همه‌پرسی و روش‌های قانونگذاری نهادهای صلاحیت‌دار در آن

در سباب مقوله مهم همه‌پرسی، خصوصاً از زمانی‌که دولت‌های یازدهم و دوازدهم، مسئولیت اجرایی اداره کشور را به‌عهده گرفتند، به فراخور موضوعات زمانی و به‌نوعی به دنبال برن‌رفت از یک بن‌بستی – که خودشان متصور می‌شدند- موجی ایجاد شد؛ اما واقعا و به لحاظ حقوقی چه نهادهای قانونی، صلاحیت پیشنهاد، شیوه برگزاری و تأیید همه‌پرسی را به عهده دارند؟

ابتدا باید گفت همه‌پرسی، یک نوع قانون تصویب‌شده توسط آرای مردمی است. تنها قوه‌ای که در قانون اساسی ما، به‌طور خاص، عهده‌دار رکن قانونگذاری در کشور است، مجلس شورای اسلامی است که از دو طریق می‌تواند اعمال قانونگذاری نماید: اولاً از راه «قانونگذاری» مجلس. اصل ۵۸ قانون اساسی: «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.» ثانیاً از راه «همه‌پرسی» اصل ۵۹ قانون اساسی: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

تاکنون هر چه قانونگذاری صورت گرفته، تنها از طریق «تصویب طرح نمایندگان» یا «تصویب لایحه پیشنهادی دولت توسط مجلس» بوده‌است و تا‌به‌حال پیش‌نیماده به‌خواهند برای تصویب یک قانون، به نظرات مردم مراجعه کنند. دلیل آن هم این است که ظاهراً «هیچ مسئله بسیار مهمی» که بخواهد آینده نظام را به خطر اندازد یا به بن‌بست برساند، بروز پیدا نکرده است.

موضوع همه‌پرسی، چنان مهم و قابل پیش‌بینی بوده که در سال ۶۸، قانونی به نام «قانون همه‌پرسی» به تصویب مجلس رسید و شورای نگهبان، طی دو مرحله بررسی، آن را تأیید کرد. در ۳۹ ماده و ۱۲ تبصره قانون مذکور، یکسری شرایطی برای آن مقرر گردید که طبق مهم‌ترین ماده آن (۳۶)، هم رئیس‌جمهور و هم ۱۰۰ نماینده مجلس می‌توانند «پیشنهاد» همه‌پرسی را مطرح نمایند برای «تصویب» آن باید «حداقل دوسوم مجموع نمایندگان» به آن رأی بدهند. «نظرات یا تأیید نهایی» همه‌پرسی، طبق ماده ۳ و ۳۷ قانون همه‌پرسی و همچنین طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان است البته ناگفته نماند که مشابه چنین ماده‌ای، در «مبحث دهم» از آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، یعنی ماده ۲۰۳ آیین‌نامه به «تقاضای همه‌پرسی» اختصاص یافته است. قوه مقننه، طبق اصول ۶ و ۵۶ ق.ا. نهادی است که ریشه در آرای عمومی دارد و مظهر اراده عام ملت شمرده می‌شود. بر این اصول متعهد قانون اساسی، اصل بر «عدم اجرای آن اصول» است؛ مثلاً در خصوص همین اصل ۵۹ ق.ا. اصل بر عدم رجوع به آرای عمومی و قانونگذاری از طریق همه‌پرسی است، مگر اینکه خلاف آن اثبات شود. به عنوان توضیحی بیشتر، اگر چنانچه مجلس، نتوانست با توسل به عقل جمعی نمایندگان، اقدام به قانونگذاری نماید و از مردم و رب‌باوود، تنها در این صورت است که مفاد اصل مذکور، به فعلیت می‌رسد و قدرت یا اعمال قانونگذاری به مردم سپرده می‌شود.

از بدو تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، «همه‌پرسی تقنینی» مطرح نشده است.

طبق قانون همه‌پرسی، رئیس‌جمهور صرفاً می‌تواند پیشنهاد «درخواست همه‌پرسی» بدهد و پس از تصویب نمایندگان، با توجه به ابتدایی اصل (۹۴) قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود» نیاز به «تأیید شورای نگهبان» محرز می‌شود؛ چراکه طبق نظر به تفسیری شماره ۴۱۰/۴۱۰ مورخ ۸۱/۱۲/۲۵ شورای نگهبان، «درخواست مراجعه به آرای عمومی موضوع اصل (۵۹) قانون اساسی، از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل (۹۴) قانون اساسی، به شورای نگهبان ارسال شود.» لذا اگر قرار است برای قانونی‌شدن مسئله بسیار مهم، به آرای مردمی مراجعه شود، باید این مصوبه مجلس به شورای نگهبان فرستاده شود تا از لحاظ قانونی و شرعی بررسی گردد.

حال اگر رئیس‌جمهور، واقعاً قصد برگزاری «همه‌پرسی» را دارد، چرا از راهکار قانونی استفاده نمی‌کند و لایحه‌ای به مجلس ارائه نمی‌دهد؛ البته عینت است که رئیس‌جمهوری وقت، قانونی را که همه‌پرسی و شیوه برگزاری آن اطلاعی نداشته باشد، ولی کماکان این سؤال پیش می‌آید که به راستی، مقصود اصلی رئیس‌جمهور از «رجوع به آرای مردم» غیر از همه‌پرسی قانونی چیست؟! البته این که خواسته شود به واسطه اهمال و سستی در قوه اجراییه مملکت، بی‌برنامگی و بی‌انضباطی جمعی را به همه‌پرسی گره بزنیم، خطایی آشکار است.

• پژوهشگر پژوهشکده شورای نگهبان

## پیش‌حقوقی

**در مواردی که طرفین قرار داد برای تخلف از انجام معامله، وجه التزام تعیین می‌نمایند، آیا پرداخت وجه التزام برای انصراف از انجام معامله کافی است؟**

اساساً تفسیر قرار داد و تطبیق مورد با قانن در صلاحیت داد‌گاه رسیدگی کننده‌است، اما به‌طور کلی صرف وجود وجه‌التزام و پرداخت صورتی که از عبارات قرار داد آمده و مجموع شرایط توجه کرد، در از معامله راسرایی خود در ازای پرداخت مبلغی محفوظ داشته‌اند، با پرداخت وجه‌التزام حق انصراف از معامله را خواهند داشت. اما اگر عبارات قرار داد دلالت بر الزام به انجام معامله داشته باشد، ولو اینکه متخلف وجه التزام را پرداخت نماید، طرف مقابل می‌تواند هم وجه التزام را مطالبه و هم الزام متخلف را به انجام معامله درخواست نماید که در هر حال تشخیص اینکه در هر مورد نحوه عمل چگونه است با دادگاه رسیدگی کننده است.

**کارمند بانک اشتباهاً وجهی را به حساب دیگری انتقال می‌دهد. بانک با طرف تماس می‌گیرد تا نمایان مبلغ را برگرداند اما آن شخص بدون توجه به تذکر بانک پول را برمی‌دارد و خرج می‌کند و حاضر به بازگرداندن پول نیست. آیا وی را به اتهام تحصیل مال نامشروع می‌توان تعقیب کرد؟**

با عنایت به مواد ۳۰۱ و ۳۰۳ قانون مدنی، چنانچه سهواً وجهی به حساب کسی واریز شود، دریافت کننده مکلف به تسلیم آن و پرداخت کننده صرفاً مجاز به مطالبه و استرداد آن است و از موارد تحصیل مال نامشوع نیست.

چهارشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۶ | ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹ |

## حقوقی

سرویس اجتماعی • ۸۸۹۹۸۴۴

اساتید حقوق و نمایندگان از چند و چون یک مصوبه به «جوان» می‌گویند

# گام مجلس به سوی عدالت با طرح «اعاده اموال نامشروع»



«اعاده اموال نامشروع» از جمله طرح‌های مهمی است که با عنایت به دو اصل ۴۹ و ۱۴۲ قانون اساسی گام مهم مجلس در راستای اجرای عدالت محسوب می‌شود؛ طری‌حی که بعد از رساته‌ای شدن آن برخی بر این اعتقاد بودند همان طرح رسیدگی به اموال مسئولان است که در آبان ماه سال ۹۶ در مجمع تشخیص مصلحت به تصویب رسید که طبق مهم ترین ماده آن مقامات و مسئولان باید صورت‌داری خود، همسر و فرزندان تحت تکفل خود را قبل و بعد از خدمت اعلام کنند.
بنا توجه به طرح «اعاده اموال نامشروع مسئولان» افزون بر دارای رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان، رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت که مطابق با اصل ۱۴۲ قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، مقامات دیگر همچون معاونان، استانداران و معاونان آنها و شهرداران شهرهای مراکز استان‌ها و معاونان آنها تحت نظارت هیئتی هفت نفره قرار می‌گیرند.
نظر به اهمیت طرح مذکور کارشناسان و اساتید حقوقی به بحث و پرچ با هدف بهتر اجرایی شدن طرح پیشنهادی پرداختند.
**■ خلاهای ساختاری و حقوقی**
هیئت‌الله تجدی منش، استادیار دانشکده حقوق ناشی از ربا، غصب، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن امکان‌های موات و مباحات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد، طری‌حی که به تازگی توسط نمایندگان تدوین شده با عنایت به دو اصل قانون اساسی است.
چنانچه مطابق با اصل ۴۹ قانون اساسی «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر غیر مشروع و مباحات اصلی، دایر کردن امکان فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد.»
مقامات دیگر همچون معاونان، استانداران و معاونان آنها و شهرداران شهرهای مراکز استان‌ها و معاونان آنها تحت نظارت هیئتی هفت نفره قرار می‌گیرند.
مجلس شورای اسلامی در این خصوص تصریح کرده است که «مجلس شورای اسلامی موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر غیر مشروع و مباحات اصلی، دایر کردن امکان فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد.»
مقامات دیگر همچون معاونان، استانداران و معاونان آنها و شهرداران شهرهای مراکز استان‌ها و معاونان آنها تحت نظارت هیئتی هفت نفره قرار می‌گیرند.
مجلس شورای اسلامی در این خصوص تصریح کرده است که «مجلس شورای اسلامی موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر غیر مشروع و مباحات اصلی، دایر کردن امکان فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد.»

نگاه حقوقی

حامد نیکونهاد\*

نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.»
همچنین طبق اصل ۱۴۲ قانون اساسی نیز «دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعداز خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.»

اکنون در طرح جدید افزون سر دارایی رهبر، همسر و فرزندان همسر و فرزندان همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت که مطابق با اصل ۱۴۲ قانون اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، مقامات دیگر همچون معاونان، استانداران و معاونان آنها و شهرداران شهرهای مراکز استان‌ها و معاونان آنها تحت نظارت هیئتی هفت نفره قرار می‌گیرند.

نظر به اهمیت طرح مذکور کارشناسان و اساتید حقوقی به بحث و پرچ با هدف بهتر اجرایی شدن طرح پیشنهادی پرداختند.
**■ خلاهای ساختاری و حقوقی**
هیئت‌الله تجدی منش، استادیار دانشکده حقوق ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن امکان‌های موات و مباحات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر غیر مشروع و مباحات اصلی، دایر کردن امکان فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد، طری‌حی که به تازگی توسط نمایندگان تدوین شده با عنایت به دو اصل قانون اساسی است.
چنانچه مطابق با اصل ۴۹ قانون اساسی «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر غیر مشروع و مباحات اصلی، دایر کردن امکان فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد.»

نظریه‌های عمومی ذکر نشده‌اند و حتی تجدیدنظر ساقط شده و بهتر است این طرح با مشاوره کارشناسان و اساتید حقوق مورد مطالعه دقیق قرار گیرد و طرح جامع مقابله با فساد و خصوصاً بر مبنای قانون اساسی و تعهدات بین‌المللی که داریم تنظیم شود. در این راستا لازم است برخی قوانین و مقررات فسادزاین شناسایی شوند.

هر چند در ماده واحده مذکور مسئولان مشخص شده‌اند اما به گفته تجدی‌منش این قانون زمانی کارآمد است که استثنای غیر معقول نداشته باشد. همچنین تبعیض آمیز نباشد. کما اینکه در مقبله‌با قیود نباید با هیچ کس رودرپایستی داشت. وی در بُعد دیگر بررسی این طرح به برخی اظهار نظر‌ها در رابطه با خلأ آنت اشاره کرد و گفت: مسئله رانت مسئله بسیار حساس و ظریفی است. البته در این طرح هم پیش‌بینی شده است: «چنانچه اموال هر یک از آنها (مقامات، همسر و فرزندان آنها بیش از حد متعارف باشد یا با استفاده از موقعیت و اطلاعات دوران مسئولیت.» اما این بسیار دقیق نیست. از نظر حقوقی بحث اثبات رانت یا ویژه‌خوااری چندان آسان نیست، بنابراین لازم است نظام شفاف اداری و اطلاعاتی شکل بگیرد و دسترسی برابر برای همه به اطلاعات مقدور باشد. به عنوان یک واقعیت در جامعه امروز ما اگر فرد، رابطه نداشته باشد یک کار عادی اداری را به سختی انجام می‌دهد. استفاده از رانت باعث می‌شود تا بسیاری از حقوق آسانی افراد نقض شود؛ حق بردستری برابر به خدمات و امتیازات دولتی و حق بر عدم تبعیض می‌دارای مقامات، تجدی‌منش در نهایت به ویژه‌گی‌های یک قانون مؤثر و کارآمد اشاره و بیان کرد: هماهنگی در اجرا از جمله موارد مهم در این زمینه است؛ چراکه یک قانون هر چند خوب و مطلوب باشد، اما اگر در اجرای آن قاطعیت وجود نداشته باشد، بعد از مدتی زبانش بیشتر از نفعش خواهد بود.

## قوانین متروک رسیدگی به اموال مسئولان

گسترده‌ای از مقامات و کارکنان نهادهای گوناگون کشوری و لشکری مشمول این تکلیف قانونی مبنی بر ارائه صورت‌داری و درآمد خود و همسر و فرزندان‌شان به مراجع مربوط هستند. نسخ شده‌اند:

۱- نخستین تلاش نظام حقوقی ایران برای نظارت بر دارایی شخصی مقامات و کارمندان دولتی به دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و مشخصاً به قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت‌اعم از کشوری، لشکری، شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها می‌باشد. این قانون، در سال ۱۳۳۷/۱۲/۱۹ با اصلاحات ۱۳۴۸/۲/۲۸ بازمی‌گردد. مطابق ماده یک این قانون، وزرا، معاونان و سایر کارکنان دولت اعم از کشوری، لشکری یا شهرداری‌ها یا دستگاه‌های وابسته به آنها و اعضای انجمن‌های شهر و کارکنان مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و همچنین تمامی کارمندان هر سازمان یا دستگاه یا شرکت قضائیه شدند، اما شورایی نگهبان در اظهار نظر به بانک یا هر مؤسسه دیگر که اکثریت سرمایه یا منافع آن متعلق به دولت یا سایر مؤسسات مذکور است یا نظارت یا اداره یا مدیریت آن مؤسسات با دولت است و همچنین تمامی کسانی که از خزانه دولت یا از مؤسسات مذکور پاداشی دریافت می‌دارند به استثنای بازنیستگنان یا کسانی که وظیفه مستمری قانونی دارند مکلف شدند صورت‌داری و درآمد خود و همسر خود و فرزندان را که قانوناً تحت ولایت آنها هستند به مراجعی که طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران تعیین می‌شد تسلیم کنند.
همانطور که از مفاد این مقررره بر می‌آید، طیف

# جوان

شماره ۵۳۲۸

## اخبار

مرتضی خمسه\*

**لایه پنهانی و مغفول بودجه – بخش دوم**

در مطلب هفته گذشته در همین ستون توضیح داده شد که مفهوم اصلی بودجه کل کشور در اعداد و ارقام مذکور در جداول و پیوست‌های این قانون قابل مشاهده است. همچنین بیان شد که پیوست شماره «۳» این قانون تحت عنوان «بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت» در واقع لایه پنهانی و مغفول بودجه است؛ زیرا نه در کمیسیون تلفیق و نه در صحن مجلس مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. از سوی دیگر، توضیح داده شد که از جمله ایرادات پیوست مذکور، عدم درج کامل شرکت‌های دولتی است که منجر به نقض اصل جامعیت در بودجه ریزی می‌شود. در این یادداشت، به بیان اشکال دیگری در خصوص نحوه تنظیم لایحه بودجه توسط دولت و بررسی آن توسط مجلس می‌پردازیم. در واقع، لایه پنهانی و مغفول دیگری از بودجه را واکاوی خواهیم کرد. همانطور که در مطلب پیشین نیز بیان شد، اصل جامعیت بودجه عبارت است از لزوم درج همه اقلام درآمدی و همه اقلام هزینه‌ای کشور در بودجه عمومی. از جمله درآمدها و هزینه‌هایی که در لایحه بودجه کل کشور منعکس نمی‌شود، درآمدها و هزینه‌های مربوط به سهم دولت در برخی شرکت‌های غیردولتی است!

ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور و ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به بیان تعریف «شرکت دولتی» پرداخته‌اند. بر اساس تعاریف قانونی مذکور، هر شرکتی که بیش از ۵۰درصد سرمایه و سهام آن متعلق به دولت باشد «شرکت دولتی» محسوب می‌شود. طبعاً شرکتی که ۵۰درصد یا کمتر از ۵۰درصد از سرمایه و سهام آن متعلق به دولت باشد، تحت عنوان «شرکت دولتی» شناخته نخواهد شد؛ در نتیجه بودجه آن در پیوست شماره (۳) لایحه بودجه درج نمی‌شود و به عبارت دیگر، منابع و مصارف آنها در بودجه کل کشور منعکس نمی‌شود، اما نکته مهم در این میان آن است که هر چند این شرکت‌ها تحت عنوان «شرکت دولتی» قرار نمی‌گیرند، اما بخشی از سهام آنها متعلق به دولت است، بنابراین منابع و مصارف چنین شرکت‌هایی، به آن میزان که مربوط به سهم دولت می‌شود، جزئی از بودجه عمومی دولت محسوب شده و به تبع آن باید به تفکیک و به صورت مجزا در لایحه بودجه منعکس گردد.

خلاصه آنکه این امر، منجر به نقض اصل جامعیت بودجه و در نتیجه منجر به نقض اصل ۵۲ قانون اساسی است که تفصیل آن در مطلب گذشته از نظر خوانندگان محترم گذشت. از سوی دیگر، اصل ۵۵ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از اتحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابراین جمع‌آوری و گزارش فریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید.

این گزارش باید در دستور عموم گذاشته شود.»

حال آنکه عدم درج بودجه شرکت‌هایی که کمتر از ۵۰درصد سرمایه آنها متعلق به دولت است، منجر به منتهی شدن نظارت مالی و بودجه‌ای دیوان محاسبات بر بخشی از «دستگاه‌هایی که به نحوی از اتحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند» خواهد شد و نظارت دیوان محاسبات در حفظ حراست و بیت‌المال را ناآکارآمد و غیرمؤثر می‌نماید، بنابراین عدم درج بودجه شرکت‌های یاد شده در قانون بودجه کل کشور، در مغایرت باصل ۵۵ قانون اساسی نیز است.

• کارشناس و پژوهشگر حقوق عمومی

## حسب زدادایی

### محکومیت زوج به مطالعه کتب همسر داری و تهیه هفتگی کل رز به علت ترک انفاق

قاضی سلماسی طی یک رأی در خور تحسین، حبس مجرم مر تکب «تو را عتاق» ۹ تعلیق و به استناد قانون مجازات اسلامی، وی را ملزم به مطالعه کتب همسر داری و نیز تهیه گل رز در روز سه مرتبه هفتگی برای همسر خویش کرد. محسن مرادی اوچقاز، قاضی آذربایجان غربی، در راستای سیاست کلی دستگاه قضایی و اصل فردی کردن مجازات، با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط موجود، حکم حبس به ترک نفقه را متعلق کرد و به جای آن موارد تربیتی را به عنوان جایگزین مطرح ساخت که متن حکم صادره با پیگیری خبرنگار «جوان» در اختیار روزنامه قرار داده شده است.

مجازات مقرر به مدت دو سال تعلیق مراقبتی و موارد زیر جایگزین شده است:
الف- مطالعه پنج جلد کتاب همسر داری و نحوه تکنیک و مهارت معاشرت با همسر و تکريم آن تعیین نوع کتاب از سوی واحد اجرای احکام کیفری، خلاصه داری از روی کتب زیور، ارائه آن به واحد اجرای احکام کیفری به مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به ایشان جهت اجرا)
ب- پرداخت نفقه همسر خویش از تاریخ قطعیت دادنامه (در صورت گزارش بده دیده مبنی بر عدم پرداخت نفقه، مجازات اصلی اجرا می‌شود)
پ- تهیه گل رز برای همسر خویش هفتنای دو شاخه در زمان های متفاوت و تقدیم گل مزبور در محل سکونت مشترک یا محل سکونت زوج
ت- مراجعه به مرکز مشاوره (چهار بار و طرف مدت یک ماه) به همراه همسر خویش.

## داستان‌ها

### جرم تهیه فیلم و عکس مخفیانه

تهیه فیلم و عکس از مکان‌های اختصاصی بانوان و انتشار آنها جرم است. این مورد شامل مکان هایی می‌شود که بانوان در آنجا پوشش مناسب ندارند مانند آرایشگاه، حمام، استخر، اتاق پرو... در این مورد (به استناد ماده ۵۵ قانون نحوه مجازات، اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند) تهیه عکس و فیلم به تنهایی از این مراکز برای مجرم شدن فرد کافی است، حتی اگر اقدام به توزیع و تکثیر آن نکند. مر تکب این جرم به دو تا پنج سال حبس و ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی و ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

### عدم پرداخت طلب زن بابت مهر به و انتقال به ورثه

اگر زن قبل از مطالبه مهریه از زوج فوت کند و مهریه او وجه رایج باشد، ورثه زن، استحقاق دریافت مهریه را دارند. با فوت زوج مهریه نیز به ورثه او منتقل می‌شود و اصل طلبی که زوج به بابت مهریه داشته طبق قاعده اربت به ورثه او انتقال پیدا خواهد کرد و هر یک از ورثه به نسبت سهم‌الآرد خود از اصل دین، طلب خود را از شوهر متوفی یا ماترک او مطالبه می‌کند. ضمناً سهم بردن از دیه، ارتباطی به سهم بردن از مهریه ندارد.

### تفاوت اعدام با قصاص نفس

اعدام با قصاص نفس تفاوت هایی دارد. در واقع حکم قصاص متعلق به شاکي است که می‌تواند اجرا کند یا محکوم را مورد بخشش قرار دهد تا قصاص نشود. هر دو در صورت مجازات‌های بدنی هستند، اما اعدام سالب حیات بوده و کلی قصاص هم ممکن است سالب حیات باشد هم قاطع عضو. اجرای قصاص منوط به درخواست مقتض منته است، اما اعدام صرفاً با عفو دادعی از جانب عموم واقع می‌شود. در قصاص نحوه اجرا به نحوه انجام جرم بستگی دارد اما در اعدام چنین مقتضی قصاص در شرعی است و در قرآن بیان شده است، اما اعدام عزت بر است و در قانون جزا در حالات خاص ترتیب گردیده که قاضی با در نظر داشتن همان حالات حکم اعدام را برای متهم لازم می‌گرداند.